

بررسی رابطه بین شجاعت اجتماعی و فرهنگ سیاسی

دکتر جهانگیر جهانگیری^۱ و نسرين محمدی^۲

تاریخ وصول: ۹۵/۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۱۲

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی بین شجاعت اجتماعی و فرهنگ سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز انجام گرفته است. در این مطالعه از نظریه‌ی لاتانه و دارلی و همچنین نظریه‌ی آلموند و وربا به عنوان چهارچوب نظری استفاده شده است. این تحقیق به روش تحقیق پیمایش بوده که با ابزار پرسشنامه در میان یک نمونه‌ی ۴۰۰ نفری از دانشجویان و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انجام شده است. برای آزمون فرضیات پژوهش از تکنیک‌های همبستگی پیرسون، آزمون مقایسه‌ی میانگین و آزمون واریانس یک طرفه استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که فرهنگ سیاسی ۱۷/۶ درصد از دانشجویان مشارکتی، ۵۸/۵ درصد تبعی و ۲۳/۸ درصد، محدود بوده است؛ همچنین نتایج به دست آمده نشان داد که شجاعت اجتماعی با فرهنگ سیاسی رابطه دارد و نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون به روش گام به گام، نشان داد؛ متغیرهای شجاعت اجتماعی به همراه متغیرهای جنسیت و محل سکونت ۱۱ درصد از فرهنگ سیاسی را تبیین می‌کنند.

مفاهیم کلیدی: شجاعت اجتماعی، فرهنگ سیاسی، لاتانه و دارلی

^۱ دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسئول) jjahangiri@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز nava15.mohammadi@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

در جریان گذار شتابان جوامع از پیش مدرن به مدرن و در نتیجه فرایند نوسازی یک وضعیت آنومیک به وجود می‌آید، وضعیت پیچیده‌ای که با بی‌هنجاری و تعارض همراه است. از این‌رو توجه به عناصر انتظام‌بخش در این جوامع و بررسی و تحلیل آن از مسائل مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی است. از آنجا که اساس نظم اجتماعی را عاطفه و تفاوت‌مندی اعضای آن نسبت به جامعه‌ی خویش تشکیل می‌دهد و آن ریشه در وابستگی و ارتباط عاطفی به جمع دارد، بنابراین هر گونه اعتنای افراد به جامعه‌ی خود در حیات فردی و اجتماعی، نشانه‌ی پویایی و سلامت آن جامعه است، در مقابل هر گونه بی‌احساسی، بدبینی، بی‌میلی و افسردگی اجتماعی، نوعی بیماری در جامعه به شمار می‌رود (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۲). در این میان شجاعت اجتماعی، نقطه‌ی اوج اعتنای افراد به جامعه‌ی خود و یکی از همان پاسخ‌های عاطفی آنان به مای کلی جامعه است چرا که بیش از هر چیز بیانگر پیوستگی افراد به روح کلی آن می‌باشد بنابراین یکی از عوامل و علائم نظم و سلامت جوامع به شمار می‌آید.

در یک جامعه‌ی سالم همه‌ی شهروندان در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز زندگی اجتماعی در قبال جامعه، شهر و همشهری‌های خود و به‌طور کلی سرنوشت جامعه‌ی خود مسئولند، این مسئولیت از نشان دادن عکس‌العمل به انداختن زباله در سطح شهر و اعتراض شهروندی به تخریب اموال عمومی توسط دیگران شروع شده و در مراحل بعدی به مداخله‌ی مثبت در دعوای خیابانی، مشاجره و درگیری‌های لفظی در محل کار، دخالت در صحنه‌های دزدی و زورگیری در سطح شهرها، مزاحمت‌های خیابانی، حتی اعتراض به عملکرد اشتباه برخی مسئولان کشور می‌انجامد که همگی در حمایت از سلامت جامعه، چه به طور مستقیم و به گونه‌ای غیر مستقیم، عاملی مهم و تعیین‌کننده‌اند. در همه‌ی این صحنه‌ها برای مداخله‌ی مثبت فرد خطرات و هزینه‌های فردی و اجتماعی و درجات مختلفی از تهدید قابل پیش‌بینی است، چرا که تسریع فرایند مدرنیته تحولاتی در ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع به وجود آورده است که منجر به رشد فردگرایی و بروز پیامدهای منفی آن مانند بی‌تفاوتی اجتماعی شده است که رشد آن در زندگی اجتماعی تا حد گسترش نامعقول پدیده‌ی حریم خصوصی به پیش می‌رود تا آنجا که حتی هنجارشکنی‌ها، قانون‌گریزی‌ها و ... اموری خصوصی تلقی می‌گردد، اموری که به دیگران ارتباطی ندارد و در صورت واکنش به آن خسارات و هزینه‌های اجتماعی چندی به دنبال دارد یا به عبارت دیگر با شرایطی از خطر کردن (ریسک) همراه است. بنابراین مداخله‌ی

مثبت افراد در چنین موقعیت‌هایی شجاعت اجتماعی نامیده می‌شود. شجاعت اجتماعی یکی از رفتارهای جامعه‌گرایانه‌ی اعضای جامعه است که در نتیجه‌ی پیوستگی افراد به جامعه‌ی خود بروز می‌یابد تا در مواقعی که بی‌تفاوتی کم‌ترین هزینه و بیشترین نفع فردی را به دنبال دارد جامعه‌گرایی فرد برای جامعه و مصالح آن به تقویت پایه‌های نظم کمک کند. در بررسی شجاعت اجتماعی به خوبی می‌توان به رابطه‌ی آن با جنبه‌های مختلفی زندگی اجتماعی پرداخت که خرده فرهنگ‌های موجود در جامعه از جمله‌ی آن به شمار می‌رود.

از آنجا که خرده فرهنگ سیاسی دانشجویان از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین خرده فرهنگ‌های هر جامعه‌ای به شمار می‌رود در این تحقیق به بررسی رابطه‌ی شجاعت اجتماعی با آن توجه شده است. سوابق فکری فرهنگ سیاسی به کار هردر^۱، دوتوکویل^۲، منتسکیو^۳ و یا حتی نویسندگان در قرون باستان بر می‌گردد. اما پیدایش مدرن آن، در حوزه‌ی علوم سیاسی و در مقاله‌ی آلموند، در زمینه‌ی مقایسه‌ی نظام‌های سیاسی در سال ۱۹۵۶ بوده است. به گفته‌ی آلموند، در هر نظام سیاسی الگوی خاصی از جهت‌گیری به کنش‌های سیاسی وجود دارد، با توجه به نظر وی این الگوها همان فرهنگ سیاسی است (فامیسانو^۴، ۲۰۰۱: ۳۹۶). فرهنگ سیاسی از طریق نقش مهمی که در ساختار سیاسی جوامع مختلف ایفا می‌کند بر بسیاری از جنبه‌های جامعه و زندگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد از این‌رو نقش مهمی در توسعه‌ی پایدار اجتماعی و سیاسی هر کشوری به شمار می‌رود که در این میان فرهنگ سیاسی جوانان دانشجوی به‌عنوان مهم‌ترین کارگزاران توسعه‌ی سیاسی جوامع اهمیتی قابل توجه دارد. از آنجا که دانشگاه شیراز همواره یکی از کانون‌های فعالیت و مشارکت‌های سیاسی دانشجویی بوده است در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته و سعی در بررسی فرهنگ سیاسی دانشجویان آن و رابطه‌ی آن با شجاعت اجتماعی شده است.

پیشینه پژوهش

در جستجوی پیشینه‌ای برای طرح شجاعت اجتماعی یا مقاله‌ی جامعی در این زمینه، تا آنجا که نویسندگان این مقاله جستجو کرده‌اند نه تنها تاکنون تحقیقی در این‌باره انجام نشده بلکه هیچ تحقیقی که سعی بر ارائه‌ی مفهوم شجاعت اجتماعی در حوزه‌ی

^۱ Herder

^۲ De Tocqueville

^۳ Montesquieu

^۴ Formisano

جامعه‌شناسی کرده باشد یافت نشد. از این‌رو پژوهش‌هایی که به موضوع تحقیق ارتباط نزدیک‌تر داشته‌اند مورد توجه قرار گرفته‌اند.

الف) تحقیقات داخلی

روشن‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان "بررسی ارتباط دیسترس اخلاقی و شجاعت اخلاقی در پرستاران"، به بررسی این ارتباط در میان ۳۱۳ پرستار از بیمارستان‌های آموزشی خراسان جنوبی که به صورت سهمیه‌ای انتخاب شده بودند پرداخت. برای این بررسی از ابزار دیسترس اخلاقی و شجاعت اخلاقی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. داده‌ها پس از جمع‌آوری توسط آزمون‌های آماری توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در زمینه‌ی ارتباط بین دیسترس اخلاقی و شجاعت اخلاقی، نتایج حاکی از وجود ارتباط منفی معنی‌دار بین شدت دیسترس اخلاقی و شجاعت اخلاقی است که حاکی از آن است؛ ایجاد سطوح بالای شجاعت اخلاقی در پرستاران نقش مهمی در کنترل دیسترس اخلاقی دارد. همچنین تعیین عوامل مؤثر در شجاعت اخلاقی و یافتن راه‌کارها و فراهم کردن زمینه‌ی مناسب برای ایجاد جو کاری اخلاقی می‌تواند نقش مهمی در افزایش رفتارهای شجاعانه و کنترل دیسترس اخلاقی داشته باشد (روشن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸-۲۹).

خشوعی (۱۳۹۲)، در تحقیق دیگری با عنوان "نقش فضیلت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی در شجاعت اخلاقی - حرفه‌ای"، به بررسی نقش فضیلت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی بر شجاعت اخلاقی - حرفه‌ای کارمندان شرکت مخابرات اصفهان پرداخته است. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل تمام کارمندان شرکت مخابرات اصفهان در سال ۱۳۸۹ بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۱۴۱ نفر برای شرکت در این پژوهش انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس‌های فضیلت سازمانی، رفتار شهروندی سازمانی و شجاعت اخلاقی - حرفه‌ای با پنج بعد؛ عامل اخلاقی، ارزش‌های متعدد، تحمل خطرات یا تهدیدها، فراتر رفتن از اطاعت و هدف اخلاقی استفاده شد. در این تحقیق که از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده بود برای تحلیل داده‌ها تکنیک‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. نتایج نشان داد که فضیلت سازمانی با بعد ارزش‌های متعدد و رفتار شهروندی سازمانی و ابعاد آن: عامل اخلاقی، ارزش‌های متعدد، تحمل خطرات و تهدیدها و نیز فراتر رفتن از اطاعت را پیش‌بینی می‌کند. بنابراین مشخص شد شجاعت اخلاقی - حرفه‌ای در درجه‌ی

اول در گرو رفتار شهروندی سازمانی و پس از آن تحت تأثیر فضیلت سازمانی قرار دارد (خشوعی، ۱۳۹۲: ۸۳-۸۱).

محمدی‌فر و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگ سیاسی" به بررسی این سؤال پرداختند که چه رابطه‌ای میان سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان وجود دارد. این تحقیق با دو شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی و پیمایش در میان ۱۲۰ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان انجام گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که سرمایه‌ی اجتماعی در چهار بعد؛ اعتماد، مشارکت، انسجام و امنیت اجتماعی با فرهنگ سیاسی در بعد مشارکتی، رابطه‌ی معنادار و مستقیمی دارند. به این معنا که با افزایش در ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، فرهنگ سیاسی در بعد مشارکتی میان دانشجویان تقویت می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که سرمایه‌ی اجتماعی در همه‌ی ابعاد چهارگانه‌اش با ابعاد محدود و تبعی فرهنگ سیاسی رابطه‌ی معکوس اما معناداری دارد. یعنی هر اندازه سرمایه‌ی اجتماعی بالا رود، میانگین نمره‌ی فرهنگ سیاسی محدود و تبعی در میان دانشجویان کاهش می‌یابد (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۳).

کریمی و رضایی (۱۳۸۵)، در تحقیقی با عنوان "فرهنگ سیاسی مردم مازندران"، با استفاده از سنخ‌شناسی سیاسی آلموند و وربا در مورد «فرهنگ سیاسی»، فرهنگ سیاسی مردم مازندران را مورد بررسی قرار داده‌اند. برای این منظور، از روش پیمایش و انتخاب نمونه‌های مورد نظر مطابق روش‌های علمی استفاده شده است که نتایج تحقیق قابل تعمیم به کل استان مازندران می‌باشد. مطابق یافته‌های تحقیق که از ۳۳۱ نمونه استخراج شده است، بعد شناختی فرهنگ سیاسی مردم مازندران، در مقایسه با بعد عاطفی و داوری، قوت کمتری دارد، از منظری دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی تبعی یا انقیادی در قیاس با فرهنگ سیاسی مشارکتی و محدود از وسعت بیشتری در مازندران برخوردار است. به علاوه، از میان فرهنگ سیاسی وفاق‌گرا و منازعه‌گرا، فرهنگ سیاسی مردم مازندران گرایش بیشتری به سمت فرهنگ وفاق‌گرا در حوزه‌ی سیاست عمومی و مبانی مشروعیت نظام سیاسی نشان می‌دهد (کریمی، ۱۳۸۵: ۴۱-۳۹).

ب) تحقیقات خارجی

کانتر^۱ (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان توسعه‌ی میزان شجاعت ورزشی، سعی در بررسی شجاعت ورزشی افراد و عوامل توسعه‌ی آن کرده است. داده‌های حاصل از این پژوهش از دو گروه جداگانه‌ی ورزشکاران زن و مرد جمع‌آوری شد. همه‌ی شرکت‌کنندگان این تحقیق از باشگاه‌های ورزشی و مدارس انتخاب شده‌اند که همگی از سن ۱۳ تا ۲۲ سال هستند. اولین نمونه شامل ۳۸۰ ورزشکار و دومین نمونه شامل ۳۸۸ نفر از ورزشکاران ترکیه است. داده‌های حاصل از نمونه‌ی نخست با تحلیل عاملی اکتشافی و داده‌های حاصل از نمونه‌ی دوم با تحلیل عاملی تأییدی، تحلیل و مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل‌ها نشان داد که شجاعت ورزشی در پنج بعد تحقق می‌یابد که پس از آزمون و بازآزمون نمرات به دست آمده‌ی افراد در پنج بعد از شجاعت ورزشی مانند: عزم و اراده، تسلط (اعتماد به نفس)، ابراز وجود، تهور (مقابله با ترس و ریسک‌پذیری) و رفتار نوع‌دوستانه، ۷۵ نفر از ورزشکاران، دارای شجاعت ورزشی شناخته شدند. طبق یافته‌های این تحقیق تقویت افراد در این ابعاد به توسعه‌ی میزان شجاعت ورزشی آنان کمک می‌کند (کانتر، ۲۰۱۴: ۱۶۵-۱۶۳).

کیلان^۲ و همکاران (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان "توسعه، اعتبار و اندازه‌گیری کمی شجاعت سازمانی" در پی سنجش شجاعت سازمانی و بررسی اعتبار سازه‌ای آن بر آمدند. نمونه شامل ۱۷۱ دانشجوی کارشناسی و کارشناسی ارشد از یک دانشگاه دولتی بزرگ در جنوب غربی ایالات متحده بود که از این نمونه ۴۴ درصد نمونه زن و ۵۵ درصد آن رنگین‌پوست و متوسط سن ۲۴/۶ سال بود. همچنین به طور متوسط دارای ۲/۸ سال سابقه‌ی کار تمام وقت بودند. یافته‌ی تحقیق اعتبار درونی شجاعت سازمانی را در دو عامل؛ ۱- مشاهده‌ی اعمال بالقوه شجاعانه‌ی افراد در سازمان خود؛ ۲- ترس از انجام عمل شجاعانه تأیید کرد. همچنین از نظر کمی یافته‌های تحقیق، اعتبار بیرونی تحقیق را با تأیید مدل تحقیق، که در آن سنجش شجاعت در سازمان‌ها با برداشت افراد از محیط زیست سازمان، نقش‌ها، فرهنگ‌ها، آب و هوا، عملکرد و رضایت مرتبط است، تأیید نمود (کیلان و همکاران، ۲۰۰۹).

^۱ Counter

^۲ Kilman

هان^۱ (۲۰۰۶)، تحقیقی با عنوان "تعیین تداوم و تغییر در فرهنگ سیاسی روسیه از سال ۱۹۹۰"، انجام داد که مبتنی بر داده‌های پیمایشی است که بین جمعیت یاروسلاو در سال‌های ۱۹۹۰، ۱۹۹۳، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۴ گردآوری شده و همچنین بر اساس مصاحبه‌های گروهی متمرکز در سال ۲۰۰۰ می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان داد که تغییرات نسبتاً اندکی در نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های سیاسی پاسخگویان از سال ۱۹۹۰ رخ داده است. داده‌های سال ۱۹۹۶ و ۲۰۰۴ حمایت زیادی را برای اعتماد سیاسی، تعهدات مدنی و علایق و شناخت سیاسی نشان می‌دهد ولی حمایت برای یک نظام سیاسی چند حزبی هنوز در سطح پایینی است و در دوره‌ی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ نگرش‌های مربوط به اصلاح اقتصادی و سیاسی تغییر اندکی داشته است. از بین متغیرهای مورد بررسی، اعتماد سیاسی می‌تواند به ایجاد یک حکومت دموکراتیک در روسیه کمک کند (هان، ۲۰۰۶).

لاورنس^۲ (۲۰۰۴)، در تحقیقی با عنوان رفتار جامعه‌پسندانه و فرهنگ سیاسی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی استرالیا به بررسی این مسئله پرداخت که تا چه اندازه صورت‌های رفتاری جامعه‌پسندانه و ارزش‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی مرتبط با حوزه‌ی مختلف فرهنگ سیاسی است. این پژوهش در میان ۱۳۱۱ دانش‌آموز استرالیایی در مقاطع ۱۰، ۱۱ و ۱۲ دبیرستان از ۲۷ مدرسه انجام گرفته است. نتایج نشان داد، دانش‌آموزانی که رفتارهای جامعه‌پسند بیشتری دارند سطوح بالاتری از دانش سیاسی، آگاهی سیاسی، تجربه‌ی فعالیت سیاسی و نگرش مثبت نسبت به آزادی‌های سیاسی و نسبت به حقوق بشر در آنان آشکار می‌شود. یافته‌ها نشان داد که فعالیت‌های داوطلبانه و جامعه‌پسندانه‌ی دانش‌آموزان اثرات مثبت و معناداری بر فرهنگ سیاسی دارد، چنانچه انجام فعالیت‌های اجتماعی فوق برنامه تأثیر مثبتی بر بهبود سطوح فرهنگ سیاسی جوانان دارد (لاورنس، ۲۰۰۴: ۹-۱۲).

مبانی مفهومی و نظری پژوهش

شجاعت: با توجه به فقدان یک تعریف پذیرفته شده برای شجاعت در جامعه‌شناسی، مطالعه‌ی تعاریف پیشین لازم آمده است. در تعریف شجاعت در حوزه‌های مختلفی همچون؛ ادبیات، تاریخ، علوم نظامی، روان‌شناسی، فلسفه و ... می‌توان مطالبی را یافت که هر کدام به گونه‌ای متناسب با زمینه‌ی خود به آن پرداخته‌اند، لیکن از آنجا که هدف این

^۱ Han

^۲ Lovrens

تحقیق، ارائه‌ی یک تعریف صحیح به دور از هر گونه اظهار نظرهای غیر علمی است سعی بر آن شده است در ابتدا به تعریف این مفهوم در دو حوزه‌ی فلسفه و روانشناسی پرداخته شود تا بر اساس درک صحیح مفهوم شجاعت، بنیانی برای ارائه‌ی یک تعریف جامعه‌شناختی از شجاعت فراهم شود.

شجاعت در جمهوری افلاطون به قشری از جامعه نسبت داده شده‌اند که به فیلاکس یا پاسداران موسوم است و از ویژگی‌های یک مبارز در میدان نبرد است (تیلیش^۱، ۱۳۶۶: ۳۷)؛ همچنین به غلبه‌ی فرد بر ترس و هوس‌های خویش تعریف شده است که موجب پایداری فرد می‌شود. بنابراین شجاعت در دیدگاه افلاطون دارای جنبه‌ای فیزیکی و اخلاقی است. در این معنی گاه فرد برای اثبات توانایی‌های فیزیکی خود، گاه برای نجات جان دیگران و گاه برای حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های اخلاقی‌اش، بر ترس خود از خطرات پیش رو غلبه کرده و اقدام به عمل شجاعانه می‌نماید (افلاطون، ۱۳۸۹: ۳۵-۱۵). رد تعریف این مفهوم در حوزه‌ی فلسفه از افلاطون تا آکویناس^۲ به گونه‌ای پیوسته و به صورت رشته‌ای از افکار که در آن مفهوم شجاعت نهفته شده است دیده می‌شود (تیلیش، ۱۳۶۶: ۳۸-۳۷). تمام این فیلسوفان در تعاریفشان از شجاعت به طور کلی وامدار تعریف افلاطون هستند. از دیدگاه روانشناسی؛ شجاعت عبارت از ریسک‌پذیری و حرکت رو به جلوی افراد در مواقعی است که مشکلات یا تهدیدهایی پیش روی آنان قرار دارد (یانگ^۳، ۲۰۱۰: ۴). در واقع در این دیدگاه ترس هسته‌ی مرکزی و پیش‌نیاز بروز شجاعت است. به طوری که شجاعت محصول تجربه‌ی همزمان ترس و تمایل نسبت به یک عمل است که در نهایت عمل مورد نظر صورت می‌گیرد (وودوارد^۴، ۲۰۰۷: ۱۳۶-۱۳۵). در اکثر تعاریف ارائه شده از شجاعت، ترس و احساس خطر ابعاد مهمی از این مفهوم بوده است (یانگ، ۲۰۱۰: ۱۱-۱۰). اکنون با بصیرت به دست آمده از تعاریف پیشین برای ارائه‌ی تعریف جامعه‌شناختی شجاعت می‌توان یک رویکرد مناسب جامعه‌شناختی را انتخاب نمود.

با توجه به توضیحات فوق از منظر جامعه‌شناسی شجاعت را می‌توان یک رفتار اجتماعی به شمار آورد. از این‌رو دیدگاه‌های کنش پارسونز^۵ و وبر^۶ جهت تعریف

^۱ Tilich

^۲ Aquinas

^۳ Yong

^۴ Wodward

^۵ Parsons

^۶ weber

جامعه‌شناختی آن انتخاب شده است. پارسونز در تشریح منظور خود از مفهوم کنش، ملاک‌هایی را برای آن ذکر کرده است که بدین شرح است: ۱- کنش مستلزم وجود یک عامل یعنی یک «کنشگر» است، ۲- کنش مستلزم داشتن «هدف» است، ۳- کنش در «موقعیتی» انجام می‌گیرد که مستلزم دو عنصر است: چیزهایی که کنشگر نمی‌تواند تحت نظارتشان داشته باشد (شرایط) و دیگر آن چیزهایی که کنشگر می‌تواند بر آن‌ها نظارت داشته باشد (وسایل)، ۴- «هنجارها و ارزش‌ها» در جهت تعیین گزینش وسایل دستیابی به هدف‌ها نقش بازی می‌کنند (ریتزر^۱، ۱۳۷۸: ۵۳۰). وبر نیز در بررسی خود از کنش اجتماعی آن را صورتی اجتماعی می‌داند که فرد یا افرادی که رفتار می‌کنند برای آن معنایی ذهنی قائل شوند، رفتار دیگران را مد نظر قرار دهند و در جریان ارتباطات متقابل از آن متأثر شوند (روشه^۲، ۱۳۶۷: ۲۴-۲۲). از این‌رو مطابق با دیدگاه وبر و پارسونز شجاعت آن دسته کنش‌های مثبت مشهود و اجتماعی است که فرد با وجود احتمال مواجهه با هزینه و تهدیدات اجتماعی موجود در محیط کنشی، به آن اقدام می‌کند.

تعاریفی که تا کنون از شجاعت ارائه شده است دلالت بر ابعاد مهم و مشترکی در همه‌ی این تعاریف دارد؛ ۱- احساس خطر، ۲- ریسک (وودوارد، ۲۰۰۴: ۱۷۶). در تمام تعاریفی که آمد، اقدام به شجاعت همواره در پی تحقق هدفی مطلوب بوده است. از این‌رو با اضافه شدن عنصر نوع اهداف بر دو عنصر احساس خطر (ترس) و ریسک می‌توان از انواع شجاعت نام برد. تا کنون تنها سه نوع از شجاعت ارائه شده است: ۱- شجاعت فیزیکی، ۲- شجاعت اخلاقی و ۳- شجاعت روانی (وودوارد، ۲۰۰۷: ۱۳۷).

۱- شجاعت فیزیکی: شجاعت فیزیکی غلبه‌ی فرد بر ترس از مرگ یا آسیب جسمی با هدف نجات دیگری از مرگ یا آسیب جسمی است. مانند عمل مبارزه‌ی یک سرباز در میدان نبرد (پوتمن^۳، ۲۰۰۵: ۲).

۲- شجاعت/اخلاقی: شجاعت اخلاقی عبارت از ریسک‌پذیری افراد در جهت حفظ ارزش‌های اخلاقی‌شان است، ارزش‌هایی که به آن پایبند و متعهد هستند. هسته‌ی اصلی شجاعت اخلاقی ارزش‌های اخلاقی است (لهمان^۴، ۲۰۰۷: ۳۲-۳۱).

^۱ Ritzer

^۲ Rocher

^۳ Putman

^۴ Lehman

۳- شجاعت روانی: این نوع از شجاعت مقابله‌ی فرد با ترس و نگرانی‌های غیر منطقی و غیر اصولی خویش، همچنین مقابله با هیجان و ترس‌هایی است که به صورت اجبار و عادت درآمده و با اسارت فرد، مانع از عمل مثبت او در جهت تغییر و اصلاح رفتار ناصحیح خویش می‌شوند (پوتمن، ۲۰۰۵: ۵).

مطابق با نظر وودارد دو عامل در همه‌ی انواع شجاعت دیده می‌شود: ۱- وجود یک تهدید و ۲- یک هدف که مطلوب فرد است (وودارد، ۲۰۰۷: ۱۳۸). تحقیق حاضر پس از ارائه‌ی بررسی تعاریف شجاعت از دیدگاه‌های مختلف و تحلیل انواع آن، سه مؤلفه را برای ساخت و تفکیک انواع شجاعت ارائه می‌دهد: ۱- منشأ ترس‌ها و تهدیدات بازدارنده، ۲- نوع هدف فرد از ریسک و ۳- زمینه‌ای که منجر به عمل شجاعانه می‌شود.

تحلیل انواع شجاعت بر اساس مؤلفه‌های ساخت و تفکیک انواع شجاعت به قرار جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: انواع گوناگون شجاعت بر اساس مؤلفه‌های تفکیک شجاعت

انواع شجاعت	منشأ تهدید	نوع هدف	زمینه‌ی اقدام
شجاعت فیزیکی	عوامل بیرونی: آسیب‌های جسمی، مرگ	حفظ دیگران از آسیب‌های جسمی یا مرگ	تهدید جان یا سلامت جسمی دیگران
شجاعت اخلاقی	عوامل بیرونی: تهدید موقعیت اجتماعی، بیکاری و ...	حفظ ارزش‌های اخلاقی	تهدید تمامیت ارزش‌های اخلاقی
شجاعت روانی	عوامل درونی: آسیب‌های روانی	حفظ سلامت روانی	بیمارهای روانی ناشی از عادات ناصحیح

شجاعت اجتماعی: از آنجا که تعریف مشخص و پذیرفته شده‌ای از شجاعت اجتماعی در جامعه‌شناسی ارائه نشده است نگارندگان بر اساس تعریف ارائه شده از شجاعت در دیدگاه جامعه‌شناسی، مفهوم دو راهی‌های اجتماعی و مؤلفه‌های ساخت و تفکیک انواع شجاعت، سعی بر ارائه و تعریف مفهوم شجاعت اجتماعی نموده‌اند. مطابق با این نظر شجاعت اجتماعی کنش جامعه‌گرایانه‌ی افراد در شرایط چالش‌انگیزی از موقعیت دو راهی اجتماعی است. دو راهی اجتماعی موقعیتی است که نفع فردی و کوتاه‌مدت افراد با نفع جمعی و بلندمدت ایشان در تعارض واقع شده است (جوادی یگانه، ۱۳۸۶: ۱۳۷-۱۳۶). شجاعت اجتماعی ترجیح نفع جمعی و بلندمدت در موقعیت‌هایی است که چنین انتخابی چالش‌برانگیز شده است؛ بنابراین شجاعت اجتماعی کنش ریسک‌پذیرانه‌ی افراد در

موقعیت‌هایی است که نفع جمعی به واسطه‌ی عوامل فردی و اجتماعی مختلفی مورد تهدید قرار گرفته و هر گونه اقدام جامعه‌گرایانه برای حفظ آن با تهدیدی علیه منافع آنی و فردی مواجه است. هسته‌ی تعریف شجاعت اجتماعی مصالح و منافع جامعه است. مطابق با مؤلفه‌های ساخت و تفکیک انواع، شجاعت اجتماعی بدین قرار است؛

منشأ ترس‌ها و تهدیدات بازدارنده: عوامل بیرونی مانند طردشده‌گی از گروه یا اجتماعی معین، عدم تأیید از سوی جامعه، بیکاری از کار، مجازات‌های قانونی و یا حتی در مراتب بالاتر آسیب‌های جسمی و مرگ.

نوع هدف: منافع و مصالح جامعه.

زمینه‌ی اقدام: چالش‌ها و تهدیدهایی که برای جامعه و مصالح جمعی به وجود می‌آید، مانند: هنجارشکنی‌ها، قانون‌گریزی، قانون‌شکنی و ... همچنین در برخی زمینه‌ها، توسل به طرح اندیشه‌های نو یا طرح تغییرات ویژه در عرصه‌ی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه، زمینه‌ی شجاعت اجتماعی است.

در این تحقیق رابطه‌ی شجاعت با فرهنگ سیاسی در چارچوب نظریات لاتانه و دارلی^۱، آلموند و وربا^۲ بررسی شده است که نظریه‌ی لاتانه و دارلی برای بررسی شجاعت اجتماعی و نظریه‌ی آلموند و وربا برای بررسی فرهنگ سیاسی استفاده شده است.

لاتانه و دارلی بیان نمودند که در موقعیت‌های اضطراری؛ «من نمی‌خواهم درگیر شوم» عبارت آشنایی است که در پشت آن ترس از آسیب فیزیکی، خجالت‌زده شدن در برابر عموم مردم، درگیری در مسائل پلیسی و قضایی و دیگر خطرهای ناشناخته نمایان است (لاتانه و دارلی، ۱۳۹۰: ۶۱). آنها با انجام یک سری آزمایش‌های متنوع و گسترده، بی‌اعتنایی و نوع‌دوستی افراد در موقعیت‌های اضطراری را بر حسب فرایند تصمیم‌گیری پنج مرحله‌ای تبیین می‌کنند. به زعم آنان این مراحل خط سیری از درک موقعیت، تفسیر موقعیت، مسئولیت‌پذیری، تشخیص توانایی مداخله و تصمیم‌گیری نهایی را شامل می‌شود (احمدی، ۱۳۹۲: ۳۴۵). آنها در نتیجه‌ی تحقیقات خود معتقدند؛ هنگامی که فردی با چنین رویدادهایی (اضطراری) مواجه می‌شود، می‌بایست مجموعه‌ای از عوامل رخ دهند تا او به کمک دیگران برود. بر این اساس یک مدل فرایندی روانشناختی پنج‌مرحله‌ای ارائه نمودند که در آن مراحل چند برای مداخله‌ی ناظرین فرض است؛ ۱- توجه به وضعیت بحرانی و درک آن، ۲- تفسیر وضعیت به‌عنوان یک موقعیت اضطراری، ۳- احساس

^۱ Lataneh & Drly

^۲ Almond & Verba

مسئولیت شخصی در قبال وضعیت پیش آمده، ۴- تشخیص توانایی و مهارت لازم در خود برای موفقیت در جریان مداخله، ۵- رسیدن به یک تصمیم آگاهانه برای مداخله یا اقدام (فیشر^۱ و همکاران، ۲۰۱۱: ۵۱۹-۵۱۸). چنانچه افراد به همه‌ی مراحل پاسخ مثبت داده اقدام به نوع دوستی و در صورت پاسخ منفی بی‌اعتنا از موقعیت پیش آمده خواهند گذشت. از آنجا که شجاعت اجتماعی دلالت بر رفتار نوع دوستانه، جامعه‌گرایانه و هنجارمندانه‌ی افراد در شرایط اضطراری جامعه دارد تحلیل آن بر اساس نظریه‌ی لاتانه و دارلی مناسب است. شرایط اضطراری در دیدگاه لاتانه و دارلی به موقعیت‌هایی اطلاق می‌گردد که جان یا مال شخصی دیگر در خطر باشد و او به کمک دیگران نیاز فوری داشته باشد (لاتانه و دارلی، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۱). درباره‌ی شجاعت اجتماعی تعریف شرایط اضطراری متفاوت است. بدین معنی موقعیت‌های اضطراری شرایطی است که موجودیت و بقای جامعه و عناصر سازنده‌ی آن به دلایل مختلف مورد تهدید قرار گرفته است و نیاز به مداخله‌ی فوری ناظرین است. در این حال چنانچه شرایط به گونه‌ای باشد که در مداخله‌ی افراد هزینه و خطراتی متصور باشد، اقدام افراد شجاعت اجتماعی است. مطابق با دیدگاه لاتانه و دارلی از فرایند تصمیم‌گیری پنج مرحله‌ای، می‌توان شجاعت اجتماعی را مورد تحلیل قرار داد.

تحلیل شجاعت اجتماعی مطابق با مراحل پنجگانه‌ی تصمیم‌گیری در دیدگاه لاتانه و دارلی به صورت پنج بعد به هم پیوسته به قرار زیر بیان می‌شود:

۱- درک موقعیت: یعنی فرد ناظر باید متوجه شود چیزی اتفاق افتاده است (لاتانه و دارلی، ۱۹۶۸: ۲۱). در شجاعت اجتماعی درک موقعیت مورد بحث، همچنان که مستلزم تفاوت‌مندی افراد به مصالح جمعی و ملی جامعه در شرایط چالش‌انگیز می‌باشد، مستلزم تشخیص خطرات ناشی از مداخله‌ی مثبت در آن موقعیت است که قبل از هر چیز بیانگر میزان شناخت افراد از شرایط بحرانی جامعه‌شان می‌باشد.

۲- تفسیر موقعیت به صورت اضطراری: شخص ناظر، موقعیت پیش آمده را اضطراری بداند. زیرا ابهام در تعریف موقعیت‌های اضطراری می‌تواند از عمده عوامل عدم مداخله‌ی افراد باشد (فیشر و همکاران، ۲۰۱۱: ۵۲۰-۵۱۹). در شجاعت اجتماعی، آن قبل از هر چیز بیانگر میزان شناخت از ارزش‌ها، هنجارها و دیگر عناصر اساسی مؤثر بر سلامت و مصالح جامعه است. این بعد همچنین بیانگر درجه‌ی اهمیت نفع جمعی برای افراد است.

۳- به عهده گرفتن مسئولیت: فرد ناظر خود در قبال شرایط پیش آمده احساس مسئولیت کند. لاتانه و دارلی معتقدند افراد از نظر ذهنی دارای این زمینه‌اند که مسئولیت

¹ Fisher

مداخله را از خود رفع کرده و آن را به دیگران انتقال دهند (همان: ۵۲۰). این بعد در شجاعت اجتماعی بیانگر میزان مسئولیت‌پذیری افراد در قبال چالش‌های جامعه است.

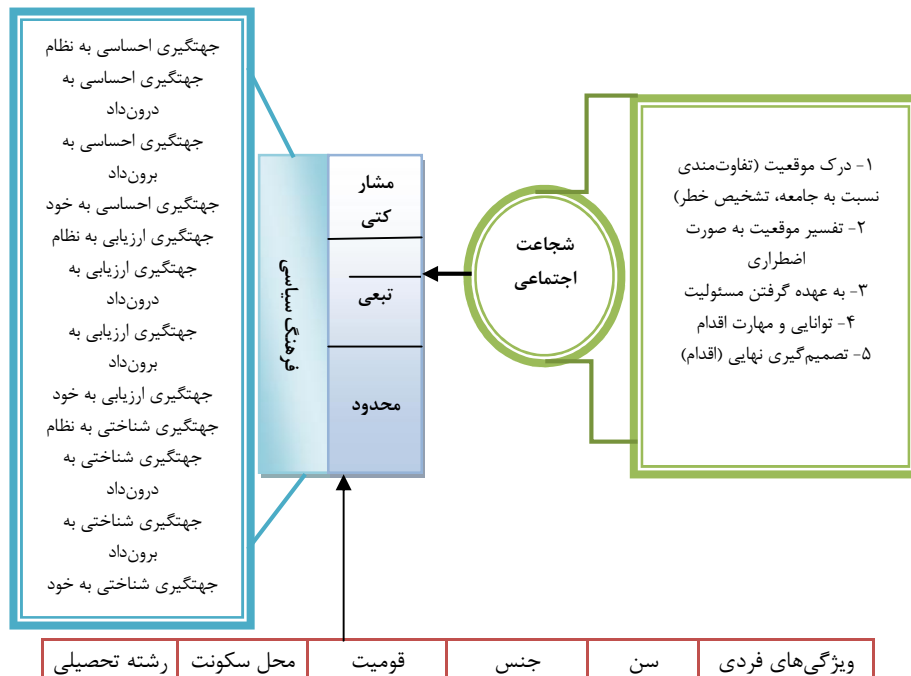
۴- مهارت و توانایی برای اقدام: در این مرحله، ناظر باید دانش و مهارت لازم را داشته باشد (دارلی و لاتانه، ۱۹۶۸)، تشخیص این توانمندی توسط خود فرد صورت می‌گیرد (فیش و همکاران، ۲۰۱۱: ۵۲۰). در شجاعت اجتماعی این مهارت‌ها شامل: مهارت‌های کلامی، جرأت‌ورزی و ... است.

۵- تصمیم‌گیری نهایی: در این مرحله فرد ناظر به بررسی پیامدهای مداخله و عدم مداخله می‌پردازد و در نهایت تصمیم به مداخله یا امتناع از مداخله می‌گیرد (لاتانه و دارلی، ۱۹۷۰). در شجاعت اجتماعی فرد با وجود محتمل دانستن تهدید منافع فردی‌اش در جهت حفظ مصالح جمعی یا جامعه‌ی خود اقدام به مداخله‌ی همیارانه می‌کند.

بر این اساس شجاعت اجتماعی قطعاً مبین میزان تفاوت‌مندی به جامعه و درجه‌ی شناخت آنها از چالش‌های جامعه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و در نهایت، همیاری ریسک‌پذیرانه است.

همچنین از میان دیدگاه‌های مطرح شده در خصوص فرهنگ سیاسی نظریه‌ی آلموند و وربا دیدگاه مناسبی جهت بررسی فرهنگ سیاسی ایران به نظر می‌رسد. چرا که علاوه بر وسعت پرداخت نظری پیرامون فرهنگ سیاسی خصایص چندپاره‌گی و امتزاجی آن را به تحلیل و بررسی آورده‌اند. از دیدگاه آلموند و وربا فرهنگ سیاسی را می‌توان در موضع‌گیری‌های خاص سیاسی دانش، بینش و گرایش نسبت به نظام سیاسی و بخش‌های مختلف آن و گرایش نسبت به خود در نظام سیاسی دریافت. از نظر آنان بحث از فرهنگ سیاسی بحث از نظام سیاسی است که در شناخت‌ها، احساس‌ها و ارزیابی‌های مردم یک جامعه درونی شده است (آلموند و وربا، ۱۹۶۳: ۱۷-۱۵). آلموند و وربا در بررسی سطوح فرهنگ سیاسی از جهت‌گیری‌های افراد، آن را شامل سه جزء می‌دانند: جهت‌گیری‌های شناختی، جهت‌گیری‌های احساسی و جهت‌گیری‌های ارزشی (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۱۸). آنها در نظریه‌ی خود، بر اساس انواع جهت‌گیری‌های اعضای جامعه نسبت به چهار جنبه‌ی زندگی سیاسی؛ نظام، درون‌داد، برون‌داد و خود، ایشان را دارای انواع متفاوتی از فرهنگ سیاسی دانسته‌اند. بر این مبنا انواعی از فرهنگ سیاسی را ارائه کرده‌اند؛ مشارکتی، تبعی، محدود و سه نوع ترکیبی؛ محدود - مشارکتی، محدود - تبعی، مشارکتی - تبعی (آلموند و وربا، ۱۹۶۳: ۱۸)، در این تحقیق سه نوع مشارکتی، تبعی و محدود مورد نظر است.

- ۱- مشارکتی: در این فرهنگ اعضای جامعه به گونه‌ای آشکار نسبت به نظام سیاسی، به‌عنوان یک کل و نیز ساخت‌ها و روندهای آن گرایش دارد. به عبارت دیگر افراد از نقش و تأثیر نظام بر زندگی خود آگاه بوده و خود فعالانه در برنامه‌های نظام مشارکت می‌کنند.
- ۲- تبعی: در فرهنگ سیاسی تبعی افراد جامعه از قدرت حاکمیت نظام سیاسی آگاه بوده و نسبت به آن جهت‌گیری دارند که در نتیجه ممکن است آن را بپذیرند یا نپذیرند و یا آنکه آن را فاقد مشروعیت بدانند، یا آنکه برعکس دارای مشروعیت بدانند. با این همه جهت‌گیری معینی نسبت به برون‌داد (جنبه‌های خروجی) و درون‌دادها (جریان‌های رو به پایین) در نظام ندارند (آلموند و وربا، ۱۹۶۳: ۱۹).
- ۳- محدود: افراد نه تنها نسبت به نهادهای سیاسی و تصمیمات ملی احساس وابستگی ندارند بلکه هیچ تصویر روشنی از نظام سیاسی در ذهن ندارند. در دیدگاه آلموند و وربا افرادی که دارای فرهنگ سیاسی محدود هستند توانایی درک یا مقایسه‌ی تغییرات یا رخدادهایی که توسط نظام سیاسی انجام می‌گیرد را ندارند (همان: ۱۸).



شکل ۱: مدل تحقیق

فرضیات پژوهش

- ۱- بین سن و نوع فرهنگ سیاسی (جهت‌گیری احساسی به نظام، جهت‌گیری احساسی به درون‌داد و ...) دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.
- ۲- بین جنس و نوع فرهنگ سیاسی (جهت‌گیری احساسی به نظام، جهت‌گیری احساسی به درون‌داد و ...) دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.
- ۳- بین قومیت و نوع فرهنگ سیاسی (جهت‌گیری احساسی به نظام، جهت‌گیری احساسی به درون‌داد و ...) دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.
- ۴- بین محل سکونت و نوع فرهنگ سیاسی (جهت‌گیری احساسی به نظام، جهت‌گیری احساسی به درون‌داد و ...) دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.
- ۵- بین رشته‌ی تحصیلی و نوع فرهنگ سیاسی (جهت‌گیری احساسی به نظام، جهت‌گیری احساسی به درون‌داد و ...) دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.
- ۶- بین شجاعت اجتماعی (درک موقعیت، تفسیر موقعیت به صورت اضطراری و ...) و نوع فرهنگ سیاسی (جهت‌گیری احساسی به نظام، جهت‌گیری احساسی به درون‌داد و ...) دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.
- ۷- بین شجاعت اجتماعی (درک موقعیت، تفسیر موقعیت به صورت اضطراری و ...) و نوع فرهنگ سیاسی (جهت‌گیری احساسی به نظام، جهت‌گیری احساسی به درون‌داد و ...) دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق مبتنی بر روش کمی است و تکنیک مورد استفاده پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. جامعه‌ی آماری پژوهش، دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاه شیراز در سال ۹۴-۹۵ بوده است که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و بر اساس فرمول کوکران با ضریب خطای ۵ درصد از تعداد کل دانشجویان دانشگاه شیراز، ۳۷۷ نفر به عنوان نمونه تعیین شدند که به منظور افزایش اطمینان نمونه، ۴۰۰ نفر تعیین شد: اعتبار مورد استفاده در این مطالعه اعتبار محتوایی صوری است و برای تعیین روایی شاخص‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. از این‌رو ضریب آلفای کرونباخ برای هر کدام از ابعاد فرهنگ سیاسی نسبت به چهار جنبه‌ی نظام سیاسی و نیز ابعاد شجاعت اجتماعی به طور جداگانه و به صورت کل، به شرح آمده است.

جدول ۲: ضریب آلفای ابعاد شجاعت اجتماعی

عنوان سنج	تعداد گویه	مقدار ضریب آلفا
درک موقعیت (تفاوت‌مندی به جامعه)	۱۰	۰/۷۳۵
درک موقعیت (احساس خطر)	۱۰	۰/۷۲۳
تشخیص موقعیت به صورت اضطراری	۱۱	۰/۷۰۳
به عهده گرفتن مسئولیت	۱۱	۰/۶۳۵
مهارت و توانایی اقدام	۱۱	۰/۸۳۵
تصمیم‌گیری نهایی (اقدام)	۱۱	۰/۸۰۲

جدول ۳: ضریب آلفای ابعاد فرهنگ سیاسی

سنج	تعداد گویه	مقدار ضریب آلفا
جهت‌گیری احساسی به نظام	۳	*
جهت‌گیری احساسی به درون‌داد	۱۲	*
جهت‌گیری احساسی به برون‌داد	۵	*
جهت‌گیری احساسی به خود	۵	۰/۷۴۵
جهت‌گیری ارزیابانه به نظام	۵	۰/۷۰۳
جهت‌گیری ارزیابانه به درون‌داد	۵	۰/۶۰۲
جهت‌گیری ارزیابانه به برون‌داد	۵	۰/۷۳۵
جهت‌گیری ارزیابانه به خود	۵	۰/۷۲۳
جهت‌گیری شناختی به نظام	۵	*
جهت‌گیری شناختی به درون‌داد	۵	*
جهت‌گیری شناختی به برون‌داد	۵	*
جهت‌گیری شناختی به خود	۵	*

در توضیح نکات جدول ۳ گفتنی است که علامت‌های ستاره بیانگر آن است که گویه‌ی مربوط به تمایل رفتاری و نگرشی نبوده است؛ همچنین ضریب آلفای کل برای شجاعت اجتماعی ۰/۸۶۳ و ضریب آلفای کل برای فرهنگ سیاسی ۰/۹۳۱ می‌باشد.

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

شجاعت اجتماعی

اندازه‌گیری شجاعت اجتماعی با استفاده از روش پیمایش از جمله دشواری‌های چنین تحقیقی می‌باشد چرا که مستلزم مواجه با ذهنیت آرمان‌خواه پاسخگویان و خودهای

نمودی و دلخواه آنان می‌باشد. با این همه پس از بررسی‌ها و مطالعات انجام شده ۶۵ گویه بر اساس ابعاد پنجگانه‌ی آن ساخته شد تا در نهایت جمع نمرات به دست آمده‌ی پاسخگویان بیانگر میزان شجاعت اجتماعی آنها باشد.

فرهنگ سیاسی

سنجش فرهنگ سیاسی بر اساس دیدگاه آلموند و وربا با دشواری ملاحظات سیاسی پاسخگویان و محافظه‌کاری آنان همراه بوده است با این حال سعی شد تا با تکیه بر تعریف برگرفته از آلموند و وربا ۱۲ بعد از فرهنگ سیاسی که شامل جهت‌گیری‌های احساسی، ارزیابانه و شناختی نسبت به چهار جنبه‌ی زندگی سیاسی؛ نظام، خود، درون‌داد و برون‌داد است سنجیده شود. بدین ترتیب، جهت‌گیری‌های احساسی افراد به چهار جنبه‌ی؛ نظام، درون‌داد، برون‌داد و خود با ۲۵ گویه بر روی طیف لیکرت سنجیده شده است. جهت‌گیری ارزشیابانه‌ی افراد به چهار جنبه‌ی؛ نظام، درون‌داد، برون‌داد و خود چهار با ۲۰ گویه بر روی طیف لیکرت سنجیده شده است. جهت‌گیری‌های شناختی افراد نسبت به چهار جنبه‌ی؛ نظام، درون‌داد، برون‌داد و خود که بیانگر میزان دانش سیاسی افراد است، با ۲۰ سؤال در سطح اسمی دو شقی سنجیده شده است که می‌توان برای سنجش فرهنگ سیاسی آن را عنوان یک مقیاس شبه فاصله‌ای در نظر گرفت که در نهایت جمع نمرات افراد از ابعاد مورد نظر بیانگر نوع فرهنگ سیاسی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

۴۵ درصد از افراد نمونه زیر ۲۲ سال، ۳۵/۸ درصد بین ۲۵ تا ۲۲ سال و بقیه بالای ۲۵ سال قرار دارد. ۵۴/۵ درصد پاسخگویان پسر و مابقی زن بوده است. ۶۸/۵ از نمونه فارس و بقیه از دیگر گروه‌های قومی معین (ترک، لر و سایر) بوده است. ۴۱/۲ درصد از پاسخگویان خارج از استان فارس و از ساکنین استان، ۳۹/۵ درصد در شهر شیراز و ۱۹/۲ درصد در نواحی دیگر استان ساکن بوده‌اند. ۳۸/۸ از پاسخگویان از رشته‌های فنی و مهندسی، ۲۴ درصد علوم انسانی، ۱۳ درصد از رشته‌های علوم پایه بوده‌اند، رشته‌های کشاورزی و دامپزشکی ۱۹ درصد و مابقی از رشته‌های هنر و معماری بوده است. ۴۰/۲ درصد نمونه سطح رو به پایینی از شجاعت اجتماعی، ۲۷ درصد شجاعت اجتماعی متوسط

رو به بالا، ۱۷/۸ درصد سطح شجاعت اجتماعی‌شان پایین بوده که تنها ۱۲/۵ از دانشجویان، شجاعت اجتماعی بالایی داشته‌اند.

ب) یافته‌های استنباطی

نتایج آزمون‌های آماری انجام شده در جداول ۴ و ۵ بیانگر آن است که بین میزان شجاعت اجتماعی دانشجویان و نوع فرهنگ سیاسی آنان رابطه وجود دارد بدین معنی هر چه شجاعت اجتماعی افراد در سطح بالایی قرار داشته باشد تمایل افراد به سمت فرهنگ سیاسی مشارکتی بوده و هر چه از سطح بالا به سطوح پایین‌تر می‌رسد فرهنگ سیاسی فرد به نوع تبعی و پس از آن محدود متمایل می‌شود. همچنین نتایج آزمون‌های انجام شده نشان می‌دهد؛ از میان متغیرهای مستقل (سن، جنس، قومیت، محل سکونت و رشته‌ی تحصیلی)، دو متغیر جنس و محل سکونت با نوع فرهنگ سیاسی دانشجویان در رابطه بوده‌اند. بر همین اساس نوع فرهنگ سیاسی در میان دانشجویان دختر و پسر متفاوت است. همچنین بر حسب آنکه در مرکز استان فارس (شیراز) سکونت داشته‌اند یا در شهرهای دیگر استان، دارای فرهنگ سیاسی متفاوتی هستند.

جدول ۴: آزمون رابطه‌ی شجاعت اجتماعی با نوع فرهنگ سیاسی

آزمون آماری	شجاعت اجتماعی / فرهنگ سیاسی
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۷۴
سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد متغیر	۳۷۶

جدول ۵: آزمون رابطه‌ی ویژگی‌های فردی (سن، جنس و ...) با نوع فرهنگ سیاسی

متغیر	سطح متغیر	فراوانی	میانگین	آزمون آماری	میزان آماره	سطح معنی‌داری
سن	زیر ۲۲ سال	۱۷۵	۲/۰۰۰	F	۲/۲۵۱	۰/۱۰۷
	۲۲-۲۵ سال	۱۳۷	۲/۱۵۳۳			
	بالای ۲۵ سال	۷۲	۲/۰۴۱۱			
جنس	زن	۱۷۵	۲/۱۷۷۴	T	۳/۰۸۰	۰/۰۲
	مرد	۲۱۱	۱/۹۷۱۶			
قومیت	فارس	۲۶۴	۰/۰۸۷۱	F	۱/۲۱۶	۰/۳۰۴
	ترک	۲۴	۱/۸۳۳۳			
	لر	۶۳	۲/۰۳۱۷			
	سایر	۳۵	۰/۰۸۵۷			

متغیر	سطح متغیر	فراوانی	میانگین	آزمون آماری	میزان آماره	سطح معنی داری
محل سکونت	شیراز	۱۵۱	۲/۱۷۸۸	F	۵/۷۹۳	۰/۰۰۳
	شهرهای استان	۷۴	۱/۸۷۸۴			
	شهرهای دیگر	۱۶۱	۲/۰۳۷۳			
رشته تحصیلی	علوم انسانی	۸۹	۲/۰۶۷۴	F	۰/۲۸۰	۰/۸۹۱
	علوم پایه	۵۱	۲/۰۱۹۶			
	فنی و مهندسی	۱۵۰	۲/۰۴۰۰			
	کشاورزی، دامپزشکی	۷۶	۲/۱۰۵۳			
	هنر و معماری	۲۰	۲/۱۵۰۰			

رگرسیون چند متغیره

نتیجه‌ی تحلیل رگرسیون در جدول ۶ نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مستقلی که وارد تحلیل رگرسیون شده‌اند؛ شجاعت اجتماعی، جنسیت و محل سکونت، ۱۱ درصد از تغییرات متغیر فرهنگ سیاسی را تبیین می‌کنند. مطابق با نتیجه‌ی تحلیل، اولین متغیری که وارد مدل رگرسیون شده است شجاعت اجتماعی است که بر اساس ضریب بتا و سطح معنی‌داری آن، می‌توان گفت به ازاء هر واحد افزایش شجاعت اجتماعی افراد، ۰/۲۷۷ فرهنگ سیاسی آنها به سمت مشارکتی تمایل می‌یابد. در مرحله‌ی دوم نتایج برای متغیر محل سکونت (شیراز) نشان می‌دهد؛ هر چه افراد از سکونت در مرکز استان (شیراز) به سمت شهرهای دیگر استان فاصله گرفته به فرهنگ سیاسی مشارکتی تمایل می‌یابند و بر خلاف آن، با سکونت در مرکز استان (شیراز)، به فرهنگ سیاسی تبعی تمایل می‌شوند. در مرحله‌ی سوم متغیر جنسیت (زن) وارد تحلیل شده است که با توجه به نتیجه‌ی تحلیل می‌توان گفت دانشجویان پسر نسبت به دانشجویان دختر، تمایل بیشتری به نوع فرهنگ سیاسی مشارکتی نشان داده‌اند.

جدول ۶: تحلیل چند متغیره

گام	متغیر وابسته	R	R ²	Adj R ²	خطای استاندارد	B	Beta	T	Sig
۱	شجاعت اجتماعی	۰/۲۷۲	۰/۰۷۴	۰/۰۷۲	۰/۰۳۵	۰/۱۸۸	۰/۲۷۲	۵/۴۱۷	۰/۰۰۰
۲	محل سکونت (شیراز)	۰/۳۱۳	۰/۰۹۸	۰/۰۹۳	۰/۰۸۳	-۰/۲۸۵	-۰/۱۵۵	-۳/۱۲۲	۰/۰۰۲
۳	جنسیت (زن)	۰/۳۳۸	۰/۱۱۴	۰/۱۰۷	۰/۰۶۴	-۰/۱۶۴	-۰/۱۲۷	-۲/۵۶۶	۰/۰۱۱

نتیجه‌گیری

فرهنگ سیاسی در عصر حاضر یکی از مهم‌ترین عناصر زندگی اجتماعی به شمار می‌رود چرا که نفوذ انکارناپذیری بر کردار سیاسی اعضای جامعه داشته و از جمله محورهای اصلی توسعه‌ی آن به شمار می‌رود. در این تحقیق که فرهنگ سیاسی بر اساس نظریه‌ی آلموند و وربا اندازه‌گیری شده است، اکثریت با ۵۸/۵ درصد فرهنگ سیاسی‌شان تبعی می‌باشد که آن نگران‌کننده به نظر می‌رسد چرا که نشان‌دهنده‌ی ضعف روحیه‌ی مشارکت‌پذیری در مورد مسائل سیاسی کشور است. از میان ویژگی‌های فردی، جنسیت و محل سکونت در نوع فرهنگ سیاسی مؤثر بوده‌اند. به عبارتی دانشجویان پسر تمایل بیشتری به فرهنگ سیاسی مشارکتی نشان داده‌اند که این مسئله تا حد زیادی ناشی از جامعه‌پذیری سیاسی متفاوت زنان و مردان در جامعه‌ی ایرانی باشد به طوری که زنان در حاشیه‌ی فعالیتهای سیاسی جامعه‌پذیر شده و مرکزیت نقش آفرینی‌های سیاسی برای مردان می‌باشد؛ همچنین ساکنین حومه نسبت به مرکز استان (شیراز) تمایل بیشتری به فرهنگ سیاسی مشارکتی داشته‌اند شاید بتوان این عبارت زیمیل را یادآور شد؛ انسانی که در کلان‌شهر زندگی می‌کند به تدریج تبدیل به انسانی محاسبه‌گر و محتاط می‌شود. سرانجام نتیجه‌ی اصلی این تحقیق آن بوده است که فرهنگ سیاسی متأثر از شجاعت اجتماعی است به طوری که بالا بودن شجاعت اجتماعی در مشارکتی بودن فرهنگ سیاسی مؤثر می‌باشد. همان‌گونه که شجاعت اجتماعی در نتیجه‌ی نوع جهت‌گیری‌های مثبت افراد به جامعه و اجزاء آن می‌باشد فرهنگ سیاسی نیز محصول جهت‌گیری‌های احساسی، ارزیابانه و شناختی آنها نسبت به بخش معینی از جامعه‌ی یعنی بخش سیاسی است؛ از این‌رو محصول فرایند جامعه‌پذیری می‌باشند. با توجه به آنکه شجاعت اجتماعی حاصل فرایند کلی جامعه‌پذیری و فرهنگ سیاسی در نتیجه‌ی جامعه‌پذیری سیاسی است وجود رابطه بین این دو متغیر چندان دور از انتظار نبوده است. در این باره سه مسأله‌ی اساسی مطرح شده است. در سنجش شجاعت اجتماعی که مبتنی بر جهت‌گیری‌های افراد به مصالح ملی و جامعه است تنها درصد پایینی از افراد با ۱۲/۵ درصد دارای شجاعت اجتماعی بالایی بوده و درصد بالایی در سطح متوسط و غالباً متوسط رو به پایینی از شجاعت اجتماعی بوده است که اولاً: می‌تواند ناشی از فقدان اجماع ارزشی و هنجاری میان نهادهای جامعه‌پذیر کننده در جامعه، دوماً: رشد روحیه‌ی فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی، سوماً: ضعف کارکردی نهادها و برنامه‌ریزان فرهنگی در جایگزینی الگوهای هنجاری مناسب در شرایطی است که به دلیل گذار جامعه از وضعیت پیش مدرن به مدرن در کنار هنجارها

و ارزش‌های سنتی شاهد ظهور الگوهای رفتاری تازه‌ای می‌باشیم که به سرعت به سمت
هنجاری شدن به پیش می‌رود که در عرصه‌ی زندگی و رفتارهای اجتماعی، اعضای جامعه
را با سردرگمی مواجه می‌کند. بنابراین شایسته‌ی توجه‌ی مسئولین مربوط می‌باشد.

فهرست منابع:

- احمدی، یعقوب و مجیدی، امیر (۱۳۹۲). "مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی و بی‌اعتنایی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های کردستان و پیام نور)"، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۳.
- افلاطون (۱۳۸۹). پنج رساله‌ی افلاطون، ترجمه‌ی محمود صناعی، تهران، نشر هرمس.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری)، تهران: نگاه معاصر.
- تیلش، پل (۱۳۶۶). شجاعت بودن، ترجمه‌ی مراد فرهادپور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- روشه، گی (۱۳۶۷). کنش اجتماعی، ترجمه‌ی هما زنجانی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- روشن‌زاده، مصطفی؛ محمدی، سمیه و برهانی، فریبا (۱۳۹۳). "بررسی ارتباط دیسترس اخلاقی و شجاعت اخلاقی در پرستاران"، مجله‌ی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۳.
- خشوعی، مهدیه‌السادات (۱۳۹۲). "نقش فضیلت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی در شجاعت اخلاقی حرفه‌ای"، فرایند مدیریت و توسعه، دوره‌ی ۲۷، شماره‌ی ۲.
- جوادی یگانه، محمدرضا و هاشمی، سید ضیاء (۱۳۸۷). "نگاهی جدید به مناقشه‌ی فردگرایی و جمع‌گرایی در جامعه‌شناسی"، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۳۳.
- محسنی تبریزی، علیرضا و صداقتی‌فرد، مجتبی (۱۳۹۰). "پژوهشی درباره‌ی بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران"، جامعه‌شناسی کاربردی، سال سوم، شماره‌ی ۴۳.
- محمدی‌فر، نجات؛ مسعودنیا، حسین و مردادی، گلمراد (۱۳۸۰). "بررسی رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان (مطالعه‌ی موردی: دانشگاه اصفهان)"، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال ۱۲، شماره‌ی ۱۶.
- کریمی، علی و رضایی، احمد (۱۳۸۵). "فرهنگ سیاسی مردم مازندران"، مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۲.
- لاتانه، بیب و دارلی، جان (۱۳۹۰). "مداخله‌ی تماشایی در موقعیت اضطراری: پراکندگی مسئولیت"، نشریه‌ی گزارش، ترجمه‌ی مازیار پری‌زاده، شماره‌ی ۲۲۷.

Almond, G. & S. Verba (1963). *The Civic Culture: political attitudes and democracy in five nations*. New Jersey: Princeton University press.

Darley, J. M., Latane, B. (1968). "Bystander Intervention in Emergencies Diffusion of Responsibility", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 20, pp. 119-126.

Fisher, P. & K., Joachim & G., Tobias & V., Claudia & K., Andreas & F., Dieter (2011). "The Bystander-Effect: A Meta-Analytic Review on Bystander Intervention in Dangerous and Non-Dangerous Emergencies", *Psychological Bulletin*, Vol. 137, No. 4, pp. 517-537.

Formisano, R. (2001). "The Concept of Political Culture", *The Journal of Interdisciplinary History*, vol. 3, No. 1, pp. 393-426.

Han, J. (2006). *Yaroslavl Revisited: Assessing continuity and change in Russian political culture since 1990*, The National Council for Eurasian and East Eurasian Research: Washington.

Kanter, E. & N. G., Johan (2012). "Development of Sport Courage", *Journal of Human Kinetics*, Vol. 33, No. 5, pp. 163-172.

Kilman, Ralph, Hara, Linda & Gudy Strauss (2009). "Developing and Validating a Quantitative Measure of Organizational Courage", *Journal of Business Psychology*, Available at: http://www.kilmanndiagnostics.com/system/files/CourageArticle_0.pdf, access (2015/6/19).

Latane, B., Darley, J. (1970). *Unresponsive Bystander, why doesn't he help?*, New York: Appleton-century-crofts.

Lowrence, J. Saha (2004). "Prosocial Behaviour and Political Culture among", *International Education Journal Australian Secondary School Students* Vol. 5, No. 1, pp. 9-25.

Lehman, V. (2007). "Moral Courage: A Virtue in Need of Development", *Medical Nursing*, Vol. 16, No. 2, pp. 131-133.

Putman, D. (2005). *Psychological Courage*, University Press of America.

Woodard, C. & C. Spury (2007). "The Construct of Courage Categorization and Measurement", *Counseling Psychology Journal: Practice and Research*, Vol. 59, No. 2, pp. 135-147.

Wodard, C. (2004). "Hardiness and the Concept of Courage", Consulting Psychology Journal: Practice and Research, Vol.56, No.3, pp. 173-185.

Yang, G., M., Alan & M. Blagen (2009). The Psychology of Courage, Taylor & Francis group, New York.